

پیامدها انقلاب تشکل های جدید سلفیه

پیامدها انقلاب تشکل های جدید سلفیه

به دنبال کناره-گیری رئیس-جمهور سابق در شب 11 فوریه، تمام جریان-های سیاسی که پیشتر درگیر ممنوعیت-های امنیتی بودند، سر برافراشتند و فعال شدند. اسلام-گرایان از هر گرایش و جریانی فعالیت و تحرکات خود را به طور مستقیم در سراسر کشور شروع کردند و تمام منبرها و تجمعات فعال شدند. برخی از گروهها قبل از این ماجرا بودند و در این برهه از زمان فعال تر شدند اما برخی گروه های جدید هم اغلب از جوانان هستند هم-چون جبهه سلفیه، ائتلاف جوانان مصر اسلامی، ائتلاف حمایت از تازه مسلمانان، و سلفی های کوستا بع وجود آمدند. در این مقاله به بررسی شرایط شکل گیری و پیدایش، اهداف، اصلی ترین مواضع، شخصیت ها و رهبران، افکار و گفتمان و آینده این ائتلاف ها در مصر پرداخته می شود.

مقدمه

پس از کناره-گیری رئیس-جمهور سابق در شب 11 فوریه، تمام جریان-های سیاسی که پیشتر درگیر ممنوعیت-های امنیتی بودند، سر برافراشتند و فعال شدند. اسلام-گرایان از هر گرایش و جریانی فعالیت و تحرکات خود را به طور مستقیم در سراسر کشور شروع کردند و تمام منبرها و تجمعات فعال شدند. علاوه بر این، چندین تشکیل و گروه جدید که از جماعت-های قدیمی جدا شده بودند یا آنهایی که به هیچ گروهی وابسته نبودند، شکل گرفتند.

جماعت-های جدیدی رفته رفته شکل گرفتند و برای ابراز وجود شروع به ایجاد و تشکیل ائتلاف کردند؛ از جمله جوانان سلفیه که 17 ائتلاف را به محض دیدار با شورای نظامی با هدف اصلی تقویت شواری نظامی تشکیل دادند. بارزترین این تشکیلات عبارت بودند از: ائتلاف جوانان اسلامی مصر، جوانان حزب النور، جوانان حزب فضیلت، ائتلاف جوانان دعوت سلفیه در مناطق مختلف، انجمن جوانان سلفی انقلاب مصر، ائتلاف جوانان سلفی در دانشگاه قاهره، ائتلاف جوانان سلفی در دانشگاه عین شمس، ائتلاف جوانان دعوت سلفیه در شرقیه و اتحاد جوانان سلفی عاشق مصر. جماعت-های اسلام-گرا نیز هشت ائتلاف تشکیل دادند که از جمله آنها ائتلاف جماعت اسلامی بود. قبضی-ها نیز پنج ائتلاف شکل دادند که بارزترین آنها ائتلاف قبضی-های مصر بود. چپ-گرایان نیز همین کار را انجام دادند. هم-چنین جماعت اخوان-المسلمین 10 ائتلاف غیر از جوانان اخوان تشکیل داد. در داخل استان-ها و نیز در مراکز استان-ها، شهرستان-ها، روستاها و حتی محله-ها هم ائتلافاتی تشکیل شدند.^[2]

انقلاب نه تنها نظام سیاسی بلکه بافت و ساختار فضای دینی را تغییر داد؛ به این ترتیب که طیف-هایی جدید وارد بازی سیاست و دین شدند و تشکل-ها و گروه-های جدیدی از دل گروه-های موجود شکل گرفتند و گروه-های جدیدی هم خارج از گروه-های سابق به وجود آمدند.

در این مقاله به شرح و بررسی برخی از این گروه-ها اعم از جدید و قدیم می-پردازیم. منظورمان از این گروه-ها، گروه-های قانونی هستند که برای دفاع از حقوق و آزادی-ها شکل گرفته-اند. برخی گروه-های جدید هم اغلب از جوانان هستند هم-چون جبهه سلفیه، ائتلاف

جوانان مصر اسلامی، ائتلاف حمایت از تازه-مسلمانان، و سلفی-های کوستا. در این مقاله به بررسی شرایط شکل-گیری و پیدایش، اهداف، اصلی-ترین مواضع، شخصیت-ها و رهبران، افکار و گفتمان و آینده این ائتلاف-ها می-پردازیم.

گروه-هایی که از قبل وجود داشته و منشأ ائتلاف-های جدید شده-اند

1. هیأت دینی حمایت از حقوق و آزادی-ها

پس از انقلاب، گروهی موسوم به «هیأت دینی حمایت از حقوق و آزادی-ها» شکل گرفت [3] که خود را به نام تشکل علمی و اسلامی میانه-روی مستقل متشکل از جمعی از علما، حکما و کارشناسان نامیده و آیه «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود/88) را مبنای خود و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...» (نساء/135) را به عنوان شعار و آرم خود انتخاب کرده است.

اهداف و مقاصد این هیأت دینی عبارت-اند از:

1. بررسی مسائل و شرایط معاصر تا به روند حمایت و دفاع از آزادی-ها و حقوق مشروع و تحقق عدالت اجتماعی کمک کند.
 2. ایجاد مرجعی صالح برای احیای نقش علما و حکما میان مردم برای کمک به اهل حل و عقد به منظور حمایت از آزادی-ها و اصلاحات؛
 3. تلاش برای وحدت صف و اتحاد و ارائه راه-حل-هایی برای مشکلات معاصر طبق مشی میانه-روانه و معتدل برخاسته از عقیده اهل سنت و جماعت؛
 4. دفاع از آزادی-های انسانی و حقوق مشروع؛
 5. هماهنگی با نیروها و مؤسسات اسلامی و مردمی برای تحقق اهداف مشترک و تحکیم و تثبیت ارزش-های اسلامی در زندگی معاصر به نحوی که به تربیت انسان برای ایجاد نهضت و قیام تمدنی فراگیر کمک کند.
- این تشکل به مجموعه ارزش-ها و اصول زیر پای-بند است:

1. اخلاق در علم و عمل؛
2. فراگیری در طرح و بررسی مسائل مختلف؛
3. شورا و مشورت در اتخاذ تصمیم-های علمی و عملی؛
4. تخصص محوری؛
5. ارتباطات و همکاری؛
6. نقد و بررسی آرا و شخصیت-ها بدون مقدس-نمایی؛
7. رعایت آزادی-های انسانی و حقوق مشروع؛
8. جمع بین منابع شناخت دینی و دنیوی؛
9. میانه-روی شرعی.

علل و عوامل وجود این تشکل به مسائل مربوط به هویت و ماده دوم قانون اساسی و منشور اصول حاکم و فرا قانون اساسی برمی-گردد و درباره سایر مواضع آن بیانیه-هایی درباره مسائل مربوط به فتنه بین شهروندان مسلمان و مسیحی مصر صادر شده است. دکتر محمد یسری در پاسخ به سؤالی درباره احتمال شرکت این تشکل در انتخابات پارلمانی آینده گفته است: «ما حزبی سیاسی یا جماعتی با رویکردهای سیاسی نیستیم.

ما یک جماعت و گروه فشار سیاسی-اسلامی هستیم، لذا کسی را برای انتخابات پارلمانی آینده کاندید نمی-کنیم؛ چنان که از هیچ نامزدی حمایت نخواهیم کرد حتی اگر از جریان اسلام-گرا باشد.»

از مهم-ترین و بارزترین خواسته-های این تشکل، وضع قانون اساسی اسلامی متناسب با دین است، زیرا شریعت اسلامی عقیده-ای صحیح، عبادت درست، اخلاق کریمانه و اصول روابط بین-الملل است. «ما خواستار اجرای شریعت اسلامی با صبغه حیات معاصر هستیم؛ چنان که معتقدیم اجرای شریعت برای از بین بردن نگرانی-های موجود میان بخش اعظم مسلمانان و برخی هواداران جریان-های سکولار و لیبرال [باید] مرحله به مرحله صورت گیرد.» آنها هم-چنین از همکاری با سایر نیروهای سیاسی موجود در صحنه به منظور ثبت و بررسی اجرای شریعت و رفع ترس و هراس آنها از اسلام-گرایان استقبال می-کنند.

این تشکیل در 29 ژوئیه 2011 خواستار برگزاری تجمع میلیونی در میدان تحریر شد، زیرا گفته شد بود برخی نیروهای سکولار و لیبرال سعی کرده-اند نتایج همه-پرسی مردمی در 19 مارس را دور بزنند و خواسته بودند که ابتدا قانون اساسی وضع شود.

2. درگیری با الازهر

دکتر محمد یسری، دبیر کل تشکل مذکور، گفته است هدف این تشکل رد سیاست اشتباه در توجیه و ارشاد مردم است. وی الازهر را متهم کرد که در تعاملاتش با حکومت هم-چنان مرتکب فساد می-شود و به دنبال ایجاد تفرقه و پراکندگی میان جریان اسلامی و ایجاد دشمنی میان رهبران آنهاست و هم-چنان رویکرد صوفی مسلکی خود را حفظ کرده و با سلفیه و اهل حدیث مخالف است. این تشکل خواستار پاکسازی الازهر از مفسدانی است که جزء عناصر برجای-مانده از رژیم سابق هستند و خاطرنشان کرده است که برای اصلاح مسیر الازهر هماهنگی-هایی را با ائتلاف-هایی که اخیراً شکل گرفته-اند، انجام داده است.

این اظهارات باعث بروز بحران بین الازهر و این تشکل شد؛ به خصوص که یکی از اعضای الازهر و مفتی سابق مصر رئیس این تشکل بود. روزنامه-ها نوشتند که دکتر احمد الطیب، شیخ الازهر، دکتر نصر فرید واصل را مورد ملامت قرار داده و خطاب به او گفته است که صحیح نیست ریاست گروهی را بپذیرد که به نهاد الازهر حمله و اهانت می-کند. دکتر نصر پس از این ماجرا استعفا و تأکید کرد: «علت استعفایم بیانیه تشکل بوده، زیرا در این بیانیه الازهر مورد حمله قرار گرفته است و این بیانیه بدون اطلاع من و بدون اینکه امضایی را به عنوان رئیس این تشکل داشته باشد، صادر و به من نسبت داده شده است، در حالی که می-بایست موافقت مرا جلب می-کرد. این بیانیه نوعی فتنه را میان علمای الازهر و خود الازهر ایجاد کرد؛ گویی این تشکل از حیث کاری هم-سطح و شبیه الازهر است. در حالی که این تشکل پس از انقلاب شکل گرفته است و برای حفظ وحدت بین تمام جریان-های اسلام-گرا، زیر لوای الازهر فعالیت می-کند.» وی گفت: «این استعفا به منزله اعتراض به صدور این بیانیه است که بدون اطلاع من که یکی از اعضای مجمع تحقیقات اسلامی هستم و افتخار دارم به این مجمع وابسته-ام، صادر شده است. من خواستار تعادل و میانه-روی و ترک تفرقه و اختلاف و حفاظت از جایگاه الازهر و تلاش برای ایجاد وحدت و تحقق منافع امت اسلامی هستم. این تشکل با این کار از اهداف مشروع و اساسی خود عدول کرده است. من با توجه به همان اهداف در این تشکل شرکت کردم و در تأسیس آن به منظور خدمت به فعالیت اجتماعی صحیح و خیرخواهانه به نفع کشور و شهروندان و متناسب با باورهای علمی و فرهنگ خود و مؤسسه شریعت الازهر مشارکت کردم.»

در بیانیه الازهر آمده است مرجعیت اسلامی در جهان اسلام فقط الازهر است و هیچ گروه و تشکلی نمی-تواند خود را جایگزین یا سخنگوی الازهر بداند حتی اگر برخی از اعضای الازهر در آن فعالیت کنند.

به دنبال آن، دکتر یسری ضمن رد این اتهامات خاطرنشان کرد که هیأت دینی یک هیأت

اسلامی میانه-رو و مستقل است که به منظور ایجاد وحدت صف و کلمه و ایجاد مرجعیت دینی برای احیای نقش و جایگاه علما و حکما در جهان اسلام تلاش می-کند نه دشمنی با الازهر و مؤسسات دینی. این هیأت رسمی فقط می-خواهد نقش آنها را تکمیل کند نه اینکه به مبارزه با آنها برخیزد.

وی تأکید کرد که هیأت دینی علاقه بسیار به ایجاد روابط شایسته با تمام طرف-ها و نهادها و افرادی دارد که در جهت خدمت به دین خدا تلاش می-کنند. وی هم-چنین خاطرنشان کرد که این هیأت با توجه به ساختار فعلی-اش نباید به طرف خاصی وابسته و منسوب باشد، زیرا خود را نماینده تمام جریان-های اسلام-گرای میانه-رو دیگر می-داند. وی گفت: «هیأت دینی اصلاحات و حقوق خواستار مشارکت در کنفرانس اتحاد بین-المللی علمای مسلمان در قاهره شده بود. در این کنفرانس نمایندگانی از نهاد الازهر از جمله شیخ حسن شافعی، رئیس دفتر فنی شیخ الازهر، به همراه تعدادی از شیوخ نزدیک به شیخ بزرگ الازهر شرکت کرده بودند. ما درباره خواسته-های جوانان اسلام-گرا با آنها صحبت کردیم. هیأت دینی کنفرانس بزرگی را با مشارکت تمام جریان-های اسلام-گرا و گروه-های صوفی، و نیروهای ملی میانه-رو به رهبری نهاد شریف الازهر به منظور ایجاد ارتباطات فکری و صدور منشور ملی مشترک برای آینده مصر و همکاری بین تمام نیروها برگزار خواهد کرد.»

پس از استعفای دکتر نصر از ریاست این هیأت، دکتر علی سالوس به عنوان رئیس و دکتر طلعت عفیفی به عنوان معاون اول و دکتر محمد عبدالمقصود به عنوان معاون دوم و شیخ محمد حسان به عنوان معاون سوم انتخاب شدند.

گروه-های جدید

1. جبهه سلفیه

این جبهه گروهی متشکل از چند شخصیت اسلام-گرا و سلفی مستقل و چند گروه تبلیغی ارشادی از همان گرایش از استان-های مختلف مصر است. این جبهه همان-طور که از اسمش پیداست، نه حزبی سیاسی و نه جماعتی تشکیلاتی و سازمان-یافته است؛ نه امارتی دارد و نه بیعتی. عضویت در آن نیز مستلزم هضم کامل اعضا یا پذیرفتن تمام رویکردها و سیاست-های آن از سوی اعضا نیست، بلکه تمام این گروه-ها می-توانند رویکردهای مستقل خود را داخل این جبهه حفظ کنند و فقط اهداف و اصول مشترک با آن داشته باشند. این جبهه از بیش از 25 ائتلاف و جبهه تشکیل شده است و اهدافی صرفاً سیاسی را دنبال می-کند. ای جبهه یک بخش اجتماعی دارد و شورایی تأسیسی که متشکل از 10 عضو است. این شورا با شرکت نمایندگانی از 9 ائتلاف تشکیل شده است که هر یک از این ائتلاف-ها یک نفر را در این شورا دارند؛ جز ائتلاف جوانان اسلامی مصر که دو نماینده در این شورا دارد.

الف) اهداف جبهه

- افزایش نقش و ارتقای جایگاه دین در جامعه مصر و مقابله با قوانین ضد دینی و کمک به تصویب قوانین متناسب با دین، و دفاع از حقوق مشروع مسلمانان به خصوص اسلام-گرایان از طریق فعالیت-های حقوقی، رسانه-ای و مردمی؛

- معرفی گفتمان اسلامی سلفی اصلاح-طلبانه متمایز از گفتمان رسانه-ای رایج در دوره-های گذشته، به نحوی که حافظ اصول و ثوابت شرعی بوده و با اوضاع روز مردم متناسب باشد و با مسائل و آمال مردم بیگانه نباشد.

- اصلاح خط و مسیر اسلام-گرایی با ارائه دیدگاه و نگرش دینی جدید و اصلاح برخی دیدگاه-های قدیمی و نامنظم که در طول دهه-های گذشته جا افتاده و هم-چنان هست و رهبران و شخصیت-های مدعی این نگرش-های قدیمی هنوز هم نفوذ قابل توجهی دارند.

- احیای مسائل امت اسلامی و تحکیم و تثبیت مفهوم امت واحده فراتر از سودجویی برخی قشرهای منفعت-طلب و دیدگاه-ها و نگاه-های حزبی تنگ-نظرانه به طوری که متناسب با چهره جدید مصر پس از انقلاب 25 ژوئیه باشد.

جبهه سلفیه ابزارها و وسایل متعددی برای تحقق این اهداف برای خود مشخص کرده است از جمله:

اول، تظاهرات و تحصن-های مسالمت-آمیز برای تصویب یا لغو قانون خاص یا دفاع از مسأله-ای خاص یا طرح درخواست-هایی چون آزادی یک زندانی (هر که باشد خواه یک مسلمان باشد یا یک مظلوم).

دوم، خطبه نماز جمعه و جلسات درس و بحث در مساجد استان-ها از طریق خطبای وابسته به جبهه در هر مقام و جایگاهی که باشند.

سوم، حمایت کامل از حزب یا احزاب اسلام-گرا و گاه ایجاد ائتلاف با احزاب غیراسلامی؛ معیار این حمایت نیز میزان قربابت یا دوری آنها از اهداف و مقاصد دینی است. در بذل این حمایت مسائل خاصی هم-چون منافع و مفاسد و غیره در نظر گرفته می-شود.

چهارم، برگزاری سمینارها و کنفرانس-های واقعی با حضور جریان-های دیگر و شخصیت-های مختلف و تلاش برای جذب عموم مردم و نه فقط سلفی-ها؛

پنجم، حضور جبهه سلفیه در تشکل-ها و واحدهای اقتصادی، رسانه-ای و سیاسی در سطوح مختلف و حمایت از شبکه جمعیت-های غیردولتی و محافل دانشگاهی، محافل حقوقی و سندیکاها و سایر فعالیت-های جامعه مدنی به نحوی که بتواند حضور و تأثیر قابل توجهی داشته باشد. و گروه فشار مهمی شکل دهد.

ششم، نفوذ میان جریان-های غیراسلام-گرا و برقراری ارتباط با آنها به اشکال حساب شده-ای که قابل توافق و پیگیری باشد تا از این طریق بتوانیم شدت خصومت و دشمنی را میان برخی از آنها کاهش دهیم؛ چنان که باید حضوری مؤثر و غیرقابل تفکیک در میانی اجتماعی و سیاسی داشته باشیم.

مهم-ترین مواضع

این جبهه با صدور بیانیه-هایی در تمام مناسبت-ها و مواضع، حضور پیوسته و منظمی در عرصه اطلاع-رسانی دارد؛ چنان که دکتر خالد سعید، سخنگوی رسمی آن، در سطوح اطلاع-رسانی و تبلیغات فعال است. از جمله بارزترین مواضع جبهه سلفیه^[4] می-توان به صدور اولین بیانیه آن^[5] با عنوان «کلمه حق» اشاره کرد. در این بیانیه آمده است: گفتن حقیقت و نهی ظالمین از ظلم-شان واجب شرعی هر مسلمان است. خداوند متعال فرموده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران/110).

بر خلاف ادعای برخی، برای انجام امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست مسلمان در تظاهرات حتماً پرچمی و امامی داشته باشد، زیرا تظاهرات عبارت است از تجمع و گردهمایی جمعی از مردم برای هدفی خاص؛ لذا تظاهرات جزء وسایل و ابزار است و همان-طور که در الاصول آمده است، بنابر هدف و مقصدی که از آن دنبال می-شود، درباره آن حکم می-شود. اگر این تظاهرات برای احقاق حق باشد، بر حق است و اگر برای انجام واجبی باشد مثل رفع ظلم و احقاق حق، واجب است.

در این بیانیه خاطرنشان شده است که تظاهرات حتی با وجود برخی مشکلات و ناهنجاری-ها مثل اختلاط [زن و مرد] و آشوب و هرج و مرج، حرام نیست مگر اینکه این قبیل مفاسد و ناهنجاری-ها و آفات غلبه پیدا کنند و اصل مطلب را تحت تأثیر قرار دهند. در واقع این مفاسد به

صفت رایج و غالب این قبیل تحرکات تبدیل شود که البته تاکنون چنین اتفاقاتی نیفتاده است. این جبهه در بیانیه دیگری جانبداری از حزب یا جماعت اسلام-گرا یا سکولار یا چپ-گرا را رد و خاطرنشان کرده است که فرهنگ اسلامی فرهنگ کل ملت مصر اعم از مسلمان و قبطی است.

در این بیانیه آمده است تمام حوادث جاری از زمان شروع انقلاب تا امروز برنامه-ای ثابت و برنامه-ریزی-شده و دنباله-دار است که حکومت در آن چشم به عامل زمان دوخته است. نظام در ابتدا با آرامش نسبی با این انقلاب برخورد کرد تا اینکه روند انقلاب در روز جمعه خشم به اوج خود رسید، لذا دست به سرکوب شدید و توأم با قساوت آن زد. در این حرکت، چهارصد نفر کشته و هزاران نفر مجروح شدند. هم-چنین خاطرنشان شده است در کشوری مثل مصر که آکنده از توانمندی-ها و شایستگی-های عظیم در تمام عرصه-هاست، وجود خلأ سیاسی نگران-کننده نیست.

این جبهه هم-چنین نسبت به تعرض به ماده دوم قانون اساسی که مربوط به شریعت اسلامی است و دین اسلام را تنها منبع قدرت و قانون-گذاری معرفی کرده است، هشدار داده و خواستار برکناری دادستان کل کشور به عنوان عنصر برجای-مانده از رژیم سابق و مزدور رژیم سابق و یکی از ابزارهای این رژیم برای سرکوب و ظلم و کشتار مردم شد این جبهه از تمام مسلمانان و آزادگان مصری خواست در همه-پرسی اصلاحات قانون اساسی در روز شنبه 19 مارس 2011 شرکت کنند و این همه-پرسی رأی «آری» بدهند.

هم-چنین در تظاهرات روز جمعه 27 مه 2011 که به دعوت برخی گروه-ها و نیروهای سیاسی برپا و به «انقلاب دوم» معروف شده بود، شرکت نکرد و اعلام کرد این تظاهرات در حقیقت توطئه-ای علیه دستاوردهای انقلاب 25 ژانویه بوده است و کسانی که خواستار برگزاری آن شده-اند همان-هایی هستند که درگیرهای-های اسف-بار در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی را روز یکشنبه 15 مه 2011 سازماندهی کردند و ارتش و پلیس مجبور به برخورد خشونت-بار با تظاهرات-کنندگان شدند.

این نیروها خواسته-های مشروعی را دستاویز قرار داده-اند مثل پاکسازی پلیس و محاکمه افسران نیروهای امنیتی سابق و غیره، اما این خواسته-ها را سرپوشی برای خواسته-های مشکوک دیگر فراتر از خواسته-های ملت قرار داده-اند.

این جبهه درباره مشور اصول فرا قانون اساسی، بیانیه-ای را در 15 ژوئیه 2011 صادر و در آن خاطرنشان کرده که هویت هر حکومتی فقط برخاسته از اراده مردم است - نظیر همه-پرسی اصلاحات قانون اساسی که در 9 مارس 2011 برگزار شد - نه اراده نخبگان محدودی که گرایش-ها و اهداف و مطامع خاصی دارند.

جبهه سلفیه معتقد است که سپردن مسئولیت به شخصیت-های سکولار بسیار افراطی و مخالف اراده مردم، عملی خصمانه در قبال مردم به خصوص اسلام-گرایان است. هم-چنین اخباری از انتخاب دکتر اسامه غزالی (برای جمع-آوری اسناد نیروهای سیاسی) و انتخاب دکتر کمال ابوالمجد به ریاست کمیته شایع شده است. جبهه خاطرنشان کرده است که در مقابل مقدمه-چینی برای جلب رضایت عده-ای متعصب که می-خواهند کشور را به ورطه هلاکت بکشانند، بیکار نمی-نشیند. این جبهه از همه نیروهای اسلام-گرا خواسته است در تظاهرات میلیونی روز جمعه آینده 22 ژوئیه با عنوان «جمعه شرعی» شرکت کنند. البته این تظاهرات به 29 ژوئیه موکول شد.

2. ائتلاف جوانان اسلامی مصر

طرح تأسیس این ائتلاف پس از انقلاب 25 ژانویه و کناره-گیری [حسنی مبارک] پا گرفت و از آن

تاریخ به طور رسمی برای انجام خدمات سیاسی و اجتماعی فعال شد. شورای تأسیسی آن با شرکت چهار نفر به نام-های صبری محمد رجب، به عنوان دبیر کل ائتلاف، دکتر سید عبدالهادی، مشاور کل ائتلاف، دکتر احمد خلیل، به عنوان مسئول مدیریت و برنامه-ریزی، و محمد سامی به عنوان هماهنگ کننده کل ائتلاف، تشکیل شد. هدف از شکل-گیری این ائتلاف تربیت مسلمانان با عقیده، تفکر و دانش کامل است.

این ائتلاف وابستگی خاصی ندارد، اما در مورد مسائل حساس به شیوخ دعوت سلفیه و اخوان رجوع می-کند.

ائتلاف جوانان با مشارکت جوانانی از تمام جریان-ها و گرایش-های اسلامی شامل الازهر، اخوان، سلفی-ها، تبلیغ و دعوت و غیره تشکیل شده و مقر اصلی آن در اسکندریه است و قصد دارد مقرها و دفاتری در تمام استان-های مصر تأسیس کند.

این ائتلاف اعلام کرده است که به زودی به جمعیت اجتماعی، خدماتی و سیاسی فعال در زمینه-های امور اجتماعی تبدیل می-شود.

این ائتلاف در فعالیت-های متعددی از جمله گفت-وگوی شورای نظامی و نیز تجمعات میلیونی درمیدان تحریر شرکت کرده است.

3. ائتلاف حمایت از تازه-مسلمانان

این ائتلاف بیش از چهل هزار نفر از جوانان را در عضویت خود دارد. دکتر حسام ابوالبخاری، رئیس ائتلاف، گفته است که هدف از تأسیس آن دعوت غیرمسلمانان به اسلام و کمک به گذران زندگی آنهاست. این ائتلاف برای حمایت از دختران مسلمان اسیر در کلیساها تأسیس شد. اهداف این ائتلاف در بیانیه تأسیسی آن در 21 مارس 2011 به این شرح مشخص شده است:

1. مهار فتنه و جلوگیری از هرج و مرج و فتنه-انگیزی برخی عناصر آشوبگر و اخلاکگر در روند آزادسازی تازه-مسلمانان از حبس کلیسا از جمله خواهران مسلمانی چون خواهر وفاء قسطنطین، همسر کشیش (ابو المطامیر، البحیره)، خواهر ماری عبدالله (همسر کشیش الزاویه الحمراء)، خواهر کاملیا شحاته (دیر مواس، منیا)، خواهر دکتر مریان مکرم (فیوم)، خواهر دکتر ترزا ابراهیم (فیوم)، خواهر عبیر ابراهیم (ملوی، منیا) و برادر ایلین نبیل عیاد (مطریه).

2. محاکمه تمام کسانی که در ربودن، بازداشت یا شکنجه تازه-مسلمانان دست داشته-اند.

3. تأمین حمایت قانونی و حقوقی از هر کسی که مایل به پذیرش دین اسلام است. مکانیسم-ها و ابزار-های این ائتلاف در اداره بحران چهار محور زیر است:

1. محور تبلیغاتی:

از طریق طرح مسأله با تمرکز و تأکید گسترده در رسانه-های مختلف و نیز راه-اندازی کنفرانس-های مردمی گسترده برای آگاه-سازی نسبت به مسأله و ابعاد شرعی، اجتماعی و سیاسی آن؛

2. محور حقوقی و قانونی: این محور منوط به فعالیت یک گروه حقوقی برای پیگیری مسائل مربوط به خواهران اسیر و جمع-آوری اسناد و مدارک و شهود لازم و برقراری ارتباط و تماس با سازمان-های حقوق بشر و هر مرجع دیگری است که می-تواند به تحقق عدالت قضایی و اعطای آزادی به خواهران و برادران اسیر ما کمک کند.

3. محور مذاکره: از طریق برقراری ارتباطات فعال و شفاف با شورای عالی نیروهای مسلح، نخست-وزیری و تمام هیأت-ها و مؤسساتی که می-توانند به تحقق هدف مد نظر کمک کنند.

4. محور سیاسی: از طریق تمام ابزارهای اعتراض مسالمت-آمیز و قانونی برای اعمال فشار به سیاست-گذاران.

هیأت مؤسسان این ائتلاف مشتمل بر یک گروه کاری کامل شامل نمایندگان از علما،

حقوق-دانان، فعالان و مبلغان است، از جمله شیخ حافظ سلامه، شیخ محمد عبدالمقصود، و شیخ ابوبیحی فاضل (شاهد اصلی در ماجرای خواهر کاملیا شحاته زاخر).

4. سلفی-های کوستا

سلفی-های کوستا از جمعی از جوانان سلفی تشکیل شده است که به مشی عمومی سلفیه وابسته-اند. آنها در ابتدا عنوان سلفی را برای خود نمی-پذیرفتند و معتقد بودند که این عنوان بر آنها تحمیل شده است، اما بعد متوجه شدند که اصرار بر رد این عنوان بیهوده است، لذا مجبور به پذیرش آن شدند و آن را به شکل «سلفی-های کوستا» پذیرفتند. آنها می-گویند ترجیح می-دهند که مسلمان مصری باشند.

عنوان سلفی-های کوستا برگرفته از نام قهوه-خانه-ای است که معمولاً پس از بسته شدن مساجد در پایان نماز در آن جمع می-شدند. این قهوه-خانه محل قرار آنها بود. این حرکت در آوریل 2011 پس از انجام همه-پرسی درباره کثرت-گرایی قانون اساسی و واکنش به تبلیغات منفی علیه سلفی-ها شکل گرفت تا به منظور ایجاد فرصت-هایی برای همزیستی به دور از اختلافات سیاسی با انقلابیون، لیبرال-ها، سوسیالیست-ها و سکولارها وارد گفت-وگو و مذاکره شود.

صاحب طرح تأسیس این حرکت محمد طلبه، فارغ-التحصیل دانشکده تجارت انگلیسی است. وی مدیر فروش یک شرکت نرم-افزاری هم هست. وی می-گوید: «طرح تأسیس این حرکت پس از پیام حسنی مبارک، رئیس-جمهور مخلوع مصر، و زمانی که دریافتیم همکاری با آنها غیرممکن است و چیزی جز ترس و وحشت وجود ندارد به ذهنم خطور کرد. بدین ترتیب، درصدد مذاکره و گفت-وگو با رهبران جریان-های دینی برآمدیم اما موفق به برقراری ارتباط با آنها نشدیم. درباره رهبران لیبرالیسم هم همین-طور. لذا تصمیم گرفتیم حرکت سلفی-های کوستا را راه-اندازی کنیم. شعارمان این بود که «در خیابان-ها راه می-افتیم، غذا می-خوریم و کاپوچینو می-نوشیم.»

آنها گروهی را در فیس بوک راه-اندازی کردند و فیلمی را با عنوان «این ودنی؟» ساختند و آن را در اینترنت به نمایش گذاشتند. این فیلم اولین تلاش سلفی-های کوستا برای معرفی خود به جامعه بود و مشکلات موجود بین جریان-ها را مطرح می-کرد. داستان این فیلم، ملاقات بین دو جوان یکی سلفی و دیگری لیبرالیست است. در این فیلم کمیک، تمام دغدغه-ها و نگرانی-های ذهنی هر یک از دو در قبال دیگری و تلاش برای خائن جلوه دادن طرف مقابل و سوءظن نسبت به وی به طور کمدی مطرح می-شود و در نهایت این دغدغه-ها را ناشی از عدم درک کامل طرف مقابل می-داند.

آنها هم-چنین سعی کردند مسابقه فوتبالی در یک کلیسا برگزار کنند و با یک گروه مسیحی هم به توافق رسیدند. آنها نیز از این طرح استقبال کردند. اما پس از حوادث امبابه ترجیح دادند گزینه دیگری را مطرح کنند. هدف از اجرای این طرح، آشنایی بیشتر بود؛ البته نه از طریق سفره-های افطاری و روبوسی بلکه با اجرای طرح-های مشترکی که معمولاً اختلافات عقیدتی و فکری مانع آن می-شود. برای مثال، در جریان مسابقه فوتبال، ترس و نگرانی بابت اجرای این طرح مشهود و کاملاً روشن بود که طرفین از یکدیگر می-ترسند و همه پریشان و عصبی هستند.

پس از آن چند طرح داوطلبانه دیگر هم اجرا شد شامل راه-اندازی دوره-های آموزشی در مناطق فقیرنشین و تشکیل کاروان-های پزشکی با مشارکت بزشکان سلفی و مسیحی. محمد طلبه می-گوید برخی طرح-های توسعه دیگر هم در عزبة الهجانه به اجرا درآمد. طرح دیگر ازدواج دختران فقیر بود. هدف ما ایجاد توافق و همدلی در موارد غیرقابل اختلاف و جمع-آوری تمام

جریان-های فکری دور هم بود، فقط در این صورت امکان آشنایی بیشتر بین آنها وجود داشت. سلفی-های کوستا خود را از فضای فعالیت سیاسی کنار کشیده-اند. آنها هیچ علاقه-ای به تشکیل حزب یا جنبش سیاسی ندارند و در عین حال می-کوشند با ایجاد همکاری بین جریان-های مختلف از طری فعالیت-های میدانی و ورزشی، خود را از منازعات دور نگه دارند. ولید مصطفی، یکی از از اعضای گروه، می-گوید که شعار طنزگونه از این رویکرد داریم: «سلفی-های کوستا هیچ علاقه-ای به شرکت در انتخابات ندارند؛ سلفی-های کوستا تمام جریان-ها را در خود جمع کرده-اند. به همین دلیل مجبور نیستند عضو حزبی خاص باشند؛ چنان که اوضاع سیاسی امروز مصر را اوضاعی نامفهوم و غبارآلود می-دانند. لذا منتظر می-مانند تا بدانند انتخاب مردم چیست. آنها به طور فردی در سیاست شرکت می-کنند.»

سلفی-های کوستا برای اولین بار در 27 مه در تجمع میدان تحریر شرکت کردند. آنها پلاکاردی برافراشته بودند مبنی بر اینکه همیشه سلفی-ها هزینه تمام حوادث کشور را در زمان حکومت مبارک و پس از آن پرداخته-اند.

اغلب اعضای این گروه همکار بودند. علاوه بر سلفی-ها، برخی مسیحیان، لیبرال-ها و سوسیالیست-ها هم که مثل سلفی-ها معتقد به لزوم جست-وجو برای یافتن نقاط تماس و اشتراک بودند، در این گروه عضویت داشتند.

نکاتی درباره این گروه-ها و تشکل-های جدید

با بررسی تعدادی از ائتلاف-های اسلام-گرا درمی-یابیم که آنها ائتلاف-هایی تازه تأسیس و نوپا هستند که معمولاً براساس یک داستان یا واقعه شکل گرفته-اند، اما اغلب بنیان-گذاران آنها به هر شکل از نظر فکری و تشکیلاتی به «دعوت سلفیه» وابسته-اند اگرچه در ظاهر دعوت سلفیه هیچ دخالتی در اداره امور آنها ندارد. رهبران و بنیان-گذاران این ائتلاف-ها پیوسته به نفی وابستگی خود به دعوت یا غیره اصرار می-ورزند و می-گویند که دوست دارند با همه اعم از سلفی-ها و اخوان همکاری کنند. نگاهی تحلیلی نشان می-دهد که این تشکل-ها و گروه-ها از حیث میدانی و حرکتی تابع دعوت سلفیه هستند، زیرا این جریان-های متعدد، اسامی و عناوین مختلف داشتند که هر یک موضوع و هدفی خاص را دنبال می-کردند، به طوری که به نظر می-رسید تابع جریان خاصی نیستند. وجود چنین جریان-هایی به نفع دعوت سلفیه بود و به گسترش و نفوذ آرام و نرم آن در جامعه سیاسی کشور چه از طریق حزب نور چه از طریق ائتلاف-های متعددی از جمله هیأت دینی حقوق و اصلاحات، ائتلاف جوانان اسلامی مصر، ائتلاف حمایت از تازه-مسلمانان، جوانان حزب نور، جوانان حزب فضیلت و ائتلاف جوانان دعوت سلفیه در مناطق کمک می-کرد.

علاوه بر این، جمعی از دوستان توانستند ائتلافی تشکیل دهند و صفحه-ای در سایت فیس بوک راه-اندازی و در هر تظاهراتی گروهی را با یک پلاکارد برای معرفی خود و اقدامات-شان در مسائل مختلف راهی خیابان-ها کنند. اخبار هر ائتلاف در اینترنت و رسانه-های گروهی منعکس می-شد و ناگهان با اینکه در برخی موارد تعدادشان از شمار انگشتان دست فراتر نمی-رفت، اما به عنوان کار انجام-شده خود را بر صحنه تحمیل می-کردند. از سوی دیگر، بزرگ-نمایی در سطوح رسانه-ای به آنها این احساس را می-داد که واقعاً قدرتی دارند و از جایگاه و پایگاه قابل توجهی برخوردارند، لذا از حق تعیین تکلیف و اعلام موضع برخوردارند؛ در حالی که حتی تعدادی از این ائتلاف-ها مجازی بودند و فقط در شبکه اینترنت موجودیت داشتند. این تشکل-ها و ائتلاف-ها اعم از اینکه تابع جریانی خاص بودند یا خیر، برخی صفات و ویژگی-های مشترکی داشتند؛ از جمله:

1. اغلب با برنامه-ریزی قبلی یا اهداف مشخص از پیش تعیین-شده شکل نگرفته-اند؛ اغلب آنها حاصل واکنش به موضعی مشخص-اند، لذا پس از اعلام وجود، شروع به وضع و تعریف اهدافی خاص برای خود می-کنند. اغلب اهداف آنها به دلیل همین نوع شکل-گیری و پیدایش، مشابه است. هم-چنین برخی از این تشکيل-ها و ائتلاف-ها با ابهام و سردرگمی درباره هویت و اهداف واقعی-شان مواجه-اند، لذا دست-خوش انشعاب-هایی گسترده می-شوند و در موارد بسیاری برای حمله به تشکل-ها و گروه-های دیگر مورد بهره-برداری قرار می-گیرند. برخی از آنها یکباره به عنوان ائتلاف-های انقلابی پدید آمده-اند و تعدادشان پس از کناره-گیری مبارک، به شکل سرسام-آوری افزایش یافته است و با اینکه هیچ سابقه حضوری در انقلاب نداشته-اند، در مذاکره با شورای نظامی شرکت کرده-اند.

2. از اهداف اعلام-شده برخی ائتلاف-ها بر-می-آید که علاوه بر مشابه بودن، از هر نوع طرح و ایده فکری، سیاسی یا اجتماعی و نیز هرگونه سازمان اداری واقعی بی-بهره-اند؛ در واقع، شبیه کف صابون هستند که پس از مدتی محو و نابود می-شود. این ائتلافات شاید مدتی تحت تأثیر هدف یا عاملی تحریک-کننده ادامه یابند، اما هیچ طرح و ایده-ای برای توسعه یا برنامه سیاسی یا برنامه اجتماعی ندارند. به معنای دقیق کلمه پدیده-ای موقت-اند که به محض از بین رفتن عوامل وجودشان، محو و نابود می-شوند.

هم-چنین با توجه به اینکه تعدادی از این ائتلاف-ها اعلام کرده-اند که اندکی بعد به یک جمعیت تبدیل خواهند شد، این سؤال مطرح می-شود که فایده ادامه کار آنها چیست و چه کاری قرار است انجام دهند؟ آیا واقعاً به جمعیت تبدیل خواهند شد یا این شعار، صرفاً تبلیغاتی است برای ادامه حضور و توجیه خودشان؟

حتی اگر این ائتلافات فعالیت اجتماعی یا هدف اجتماعی خاصی را دنبال کنند - مثل سلفی-های کوستا -قضاوت درباره کار و تجربه آنها مستلزم گذشت زمان است و باید منتظر باشیم که چه کار خواهند کرد. آیا این فعالیت-های اجتماعی فعالیتی موقت-اند و صرفاً جنبه نمایشی دارند و به مرور زمان محو می-شوند یا عملاً به یک سازمان منظم با چارچوب و ساختار مشخص تبدیل خواهند شد؟ آیا ساختار اداری فعلی اغلب این ائتلاف-ها از بین می-رود؟ آیا هر ساختار اعلام-شده-ای یک ساختار فرضی و نمایشی است که ماهیت تبلیغاتی و ارشادی این قبیل ائتلافات می-طلبد؟ این ائتلاف-ها اغلب بین جمعی از دوستان پدید می-آید که کار خود را با تقسیم کار و جایگاه بین شروع می-کنند، اما وقتی بازتاب رسانه-ای پیدا می-کنند، به دلیل فقدان بعد استراتژیکی و تشکیلاتی سازمان-یافته به مرور دست-خوش بحران اداری می-شوند.

3. عدم حضور و مشارکت رهبران دینی دعوت و ارشاد و افزایش جایگاه و نقش جوانان در این ائتلاف-ها؛ به استثنای هیأت دینی، در هیچ-یک از تشکل-ها و ائتلاف-های نوظهور اسلام-گرا خبری از حضور رهبران و شخصیت-های مهمی سلفی نیست.

با توجه به اینکه به تازگی از سیطره یک نظام دیکتاتور که امکان ظهور به هیچ جریانی به خصوص اسلام-گرایان نمی-داد آزاد شده-ایم، ظهور این همه ائتلاف امری کاملاً طبیعی است؛ به ویژه اگر در نظر بگیریم که اغلب جریان-های اسلام-گرا در برخی شخصیت-های تاریخی محصور می-شوند. در چنین شرایطی که فرصت پیشرفت حزبی و تشکیلاتی برای جوانان وجود ندارد، ناگاه انقلاب چنین فرصتی برای حضور و اظهار عقیده آزادانه فراهم کرده است. شایان ذکر است برخی از این ائتلاف-ها مستقیماً به برخی جریان-های موجود وابسته-اند، اما برخی دیگر هیچ نوع وابستگی ندارند.

4. فقدان مرجعیت فکری و دینی: برخی از این گروه-ها و ائتلاف-ها مرجعیت خاصی ندارند و اگر مسأله دشواری به ویژه شرعی برایشان پیش بیاید، به جریان-های دیگر مراجعه می-کنند. این

امر حاکی از وجود اختلال در تشکل-های دینی موجود است. برخی معتقدند این تشکل-ها ظرفیت و توانمندی فکری کافی ندارند، لذا پس از پیروزی انقلاب، برخی جوانان فرصت یافتند توانمندی-های خود را خارج از چارچوب-های سنتی اثبات کنند و خارج از حیطه سیطره رهبران و شخصیت-های دینی معروف توانایی-های خود را نشان دهند. به همین دلیل این ائتلاف-ها فاقد اسامی معروف و مرجعیت-های شناخته-شده و معتبرند.

5. حذف نقش مسجد: با اینکه مسجد در گذشته نقش اصلی در تحریک و بسیج [جوانان] داشته است، اما در مقطع زمانی اخیر اینترنت، چه در سطح دعوت چه در سطح طرح اندیشه و حتی ارائه نقشه کار و طرح برای تحرک و تعیین محل اجتماع، جای مسجد را گرفته است و این ائتلاف-ها چنین برداشتی ایجاد کرده-اند که در اماکن دیگری غیر از مسجد هم می-توان گردهمایی دینی و بسیج مردمی تشکیل داد و فضای اینترنتی حتی در سطوح فراخوان دینی نقش موازی مسجد ایفا می-کند.

اما هیأت دینی حقوق و اصلاحات و جبهه سلفی، از سایر ائتلاف-ها قدرتمندتر هستند. برای مثال، هیأت دینی شخصیت-های مهمی در خود جای داده و از ساختار واقعی و روشنی برخوردار است؛ چنان که طرح اجتماعی، فکری، سیاسی و ارشادی واقعی دارد و به دنبال تحقق آزادی-ها و احقاق حقوق مشروع و عدالت اجتماعی است؛ اما جبهه سلفی تشکلی است که تمام گروه-ها و جماعت-های سلفیه کوچک را در خود جمع کرده است و این قدرت را دارد که این ائتلاف-های کوچک را در خود جمع کرده است و این قدرت را دارد که این ائتلاف-های کوچک و خرده-پا و پراکنده را یکپارچه رهبری کند و در جهت تحقق اهداف خود به کار گیرد.

پایان

به رغم تمام نکات منفی که بیان کردیم، برخی نکات مثبت هم وجود دارد، از جمله بازگشت جوانان به صحنه فعالیت سیاسی و اجتماعی پس از مدت-ها حذف و انزوا. با اینکه این تجربه محدود بود، اما توانست تحولی عمیق در سطوح فکری، شناختی و تشکیلاتی میان جوانان ایجاد کند. این تحول فکری با تحولی مشابه در سطح گفتمان دینی میان تولید-کننده این گفتمان و مصرف-کننده آن و نیز مخاطبین آنها همراه شد.

این امر سؤال-هایی درباره میزان تأثیر [این اتفاقات] بر نوع گفتمان مد نظر نسل جدید که حامی این ائتلاف-ها هستند، مطرح می-کند، از جمله آیا این گفتمان همان گفتمان دینی معمول و رایج است یا شورشی علیه گفتمان-های سنتی محسوب می-شود؟ آیا می-توان وضعیت یا گفتمان جدیدی متناسب با مرحله حاضر مطرح کرد؟ آیا با ادامه و پیشرفت تشکیلاتی این ائتلاف-ها، درگیری بین آنها و بین این تشکل-های سلفی قدیمی سنتی به وجود خواهد آمد یا اینکه کار به همکاری و هماهنگی می-کشد؟ آیا شاهد منازعه بین نسل-های مختلف - که البته امری طبیعی است - خواهیم بود؟ آنها چه تصور و دیدگاهی از این مسائل خواهند داشت؟ آیا به آن فکر می-کنند؟ چنین چیزی در تخیلات-شان وجود دارد یا اصلاً وجود ندارد؟

پاورقی

[1]. محقق مصری و نویسنده کتاب الحالة السلفية فی مصر که کتابخانه مدبولی آن را در سال 2010 منتشر کرد.

[2]. احمد الجمال، هوجة ائتلافات الثورة... أسماء بدون فاعلية، مجلة آخر ساعة، 2011/06/21.

[3]. تمام بیانیه-های این گروه در صفحه آن در facebook.com و سایر منابع در پایگاه الیوم السابع، روزنامه الاهرام المسائی و روزنامه المصری الیوم قرار دارد.

رئیس این شورا، دکتر نصر فرید واصل، و معاون وی، دکتر علی احمد السالوس، و دبیر کل آن، دکتر محمد یسری ابراهیم است. این هیأت هفتاد نفر از فعالان حقوقی و حقوق-دانانی از تمام جریان-ها و گرایش-های دینی هستند از جمله محمد عبدالمقصود، عبدالله شاکر، یاسر برهامی، محمد اسماعیل مقدم، صفوت حجازی، ممدوح اسماعیل و غیره [4]. اولین حضور رسمی آن در فیس بوک در 20 فوریه است.

[5]. <http://www.facebook.com/photo.php?fbid=180554011989176>